

ظهور جنبش فمینیستی در فضای مسیحیت

با ظهور دنیایی که فمینیسم در آن حاکمیت یافته است، پذیرش دستور پولس مبنی بر اینکه «زن اجازه تعلیم ندارد»، بسیار دشوار شده است.

«مسیحیان لیبرال» خود را مکلف به پیروی از کلام نمی‌دانند، گمان می‌کنند که پولس با وجود اینکه می‌دانست پیغام انجیل انقلابی بزرگ را برخواهد انگیخت، لیکن خود او چندان که باید و شاید، پیامدهای این انقلاب را درنیافته است و همچنان به بنیادهای کهن دنیای مردسالار و پدرسالار پایبند مانده است.

دسته‌ی دیگر از لیبرال‌ها، اصالت آیاتی چون (اول‌قرنتیان ۱۴: ۳۸-۳۴)، (سراسر افسسیان) و (اول تیموتائوس) را زیر سوال می‌برند. به زعم آنها کسی که اصل برابری را در (غلاطیان ۳: ۲۸) عنوان کرده است، نمی‌تواند باز در جایی دیگر، زن را از موعظه و رهبری کلیسا منع کند!

این راه حل که بر «عدم مرجعیت بخشی از کلام خدا» استوار است، نمی‌تواند در حال حاضر در میان انجیلی‌های فمینیست کاربردی داشته باشد. آنها باید به ناچار به اصولی چون نسخ نوشته‌های پولس یا ارائه‌ی خوانشی متفاوت از متنی که بر همگان آشنا است، علاوه بر حفظ مرجعیت نسبی کلام خدا، با «گرایش غالب» زمان خویش نیز هماهنگ باشند.

در این جستار کوتاه به ادعایی از این دست که گویی، منع تعلیم زنان توسط پولس در (اول تیموتائوس ۲) جنبه‌ی موقتی داشته ولی با تغییر شرایط منسوخ شده است، خواهیم پرداخت.

در این راستا به دو "فعل"ی که به ادعای آنها قرن‌های متمادی مورد کج‌فهمی قرار گرفته است، خواهیم پرداخت.

آیا فعل «اپیترپو»، (ἐπιτρέπω) به معنی اجازه موقت است؟ این ادعا به اندازه‌ای ضعیف و بی‌پایه است که در هیچ ترجمه معتبری منعکس نشده است. (البته من از ترجمه‌های فمینیستی اطلاعی ندارم.)

در این باره گفتنی است که اجازه، تنها یکی از برگردان‌های ممکن فعل «اپیترپو» است. این فعل، نخست به معنی سپردن، منتقل کردن و واگذار کردن است. پس فراتر از «اجازه دادن»، معانی چون «اختیار دادن، مسئولیت سپردن» را در بر می‌گیرد.

جدا از این آیه، فعل «اپیترپو» ۱۷ بار در عهدجدید به کار رفته است. یکی از موارد، به امکان صدور طلاق‌نامه مرتبط است، بدین ترتیب که فریسیان از مسیح می‌پرسند که «پس چرا موسی اجازه داد که مرد طلاق‌نامه‌ای بدهد و زن را رها کند؟»، در صورتی که این ادعا درست باشد، بهتر بود که پرسش فریسیان اینگونه برگردان شود: «موسی موقتاً اجازه داد طلاق‌نامه‌ای بنویسند...»، از متن پیداست که فریسیان به‌هیچ‌روی اجازه موسی را موقت نمی‌دانستند که در غیر این صورت پرسش آنها از مسیح، معنایی نمی‌داشت.

از فعل «اپیتروپو»، اسامی چون «اپیتروپوس» به معنی مامور، ناظر یا مباشر (متی 8:20)، فرماندار و شهردار، استخراج شده است و همین‌طور «اپیتروپیا» به معنی «ماموریت، مباشرت و فرمانداری و شهرداری» نیز از آن مشتق شده است.

با در نظر گرفتن مطالب عنوان‌شده، پولس در اینجا می‌گوید:
«زن را مامور موعظه و ایفای نقش رهبر در حضور مرد، نمی‌کنم...».

هرچند انسان‌ها ارزش یکسان دارند، اما وظیفه‌ای که خدا به هر کدام آنها داده متفاوت است.

آیا این اجتناب پولس جنبه‌ی موقت داشته است؟

دسته‌ای با تاکید بر اینکه پولس از زمان حال و وجه اخباری استفاده کرده است، این برگردان را پیشنهاد می‌کنند: «در حال حاضر اجازه نمی‌دهم...». موقت یا همیشگی بودن فرمان پولس بر اجتناب از سپردن مسئولیت تعلیم کلام و رهبری به زنان، به بافت آیه بستگی دارد. چنانچه به بافت آیه دقت شود، پولس تصمیم خود را بر اصلی که در زمان آفرینش عنوان می‌کند، قرار می‌دهد.

پولس یادآور می‌شود که این شیطان است که با عدم رعایت نظم الهی حوا را فریب داده و بشریت را به ورطه هبوط کشانده است.

آیا این ادعا که رأی پولس تنها مربوط به یک زن، یعنی تابع شرایط مکانی است، پذیرفتنی است؟

به عنوان مثال نفوذ زنی از طیاطیرا که با همسر خود مشاجره داشت. این ادعا در حد یک فرض است. پولس در (یکم قرن‌تیان) در تشریح نظمی که باید در کلیساها" (یکم قرن‌تیان ۱۴: ۳۴) رعایت شود تاکید می‌کند و پایه آن را «امری از جانب خداوند» می‌داند و برای کسانی که معترض بودند، اصلی را که در تورات عنوان شده است مطرح می‌کند: «چنان‌که تورات هم می‌گوید».

سکوت یا آرامش؟

واژه یونانی «**ησυχία** هیسوخیا» هم به معنی سکوت است (اعمال ۲: ۲۲) هم به معنی آرامش (دوم تسالونیکیان ۱۲: ۳). پولس در اینجا آنچه که در (یکم قرن‌تیان) عنوان کرده است را تبیین می‌کند. منظور او از سکوت در (یکم قرن‌تیان) سر و صدای خواهان در کلیسا نبود، بلکه خواست او این بود که زنان به جای کوشش برای سخنرانی و ایفای نقش رهبری در کلیسا و آشفته کردن اذهان، با روحیه‌ای توأم با پذیرش به کلام خدا گوش جان بسپارند. به بیان دیگر پولس اعلام می‌کند که نگرش فمینیستی در کلیسا جایگاهی ندارد و صرفاً مایه‌ی آشفتگی خاطر است.

آیا باید نگران ظهور جنبش فمینیستی در مسیحیت بود؟

تطبیق دادن کلام خدا با مد روز پدیده خطرناکی است.

پرسش‌هایی که جنبش فمینیستی-مسیحی مطرح می‌کند با پرسش‌هایی که دیگر طرفداران تعدد زوجات در کلیسا عنوان می‌کنند، تطابق کامل دارد. همه می‌کوشند که با در نظر گرفتن گرایش حاکم بر اجتماع خود، کلام خدا را با نگرش خود هماهنگ سازند. پیداست که چیزی که مد شده است، آسان‌تر مورد پذیرش همگان قرار خواهد گرفت.

این روش بازخوانی آیات کتاب‌مقدس تداعی‌کننده روش‌هایی است که به نوعی طرفداران همجنسگرایی نیز در کلیسا مطرح می‌کنند. آنها می‌کوشند خوانشی هماهنگ با گرایش فکری خود از کلام را مطرح کنند. پذیرش این بازخوانی عمیق از کتاب‌مقدس که هیچ پایه‌ای نیز ندارد، زمینه‌ساز همگانی شدن مبحث همجنسگرایی در کلیسا خواهد بود. امروزه بحث بر سر این است که «اصل پراپری» که پولس مطرح می‌کند به مسائل خدمتی نیز تعمیم داده شود. فردا کلیساهای انجیلی با این پرسش روبرو خواهند شد که چگونه می‌شود محبت عظیم خدا را از همجنسگرایان دریغ داشت؟

گویی دوباره این پرسش ما را از حوا به گوش می‌رسد: «آیا خدا به راستی گفته است؟». پس ورود و شیوع «جنبش فمینیستی»، تنها در حد یک پیش‌زمینه برای مسائل و پریشانی‌های آینده کلیسا است.

«جایگاه خواهران در کلیسا»

سخن پولس مشتمل بر ممنوعیت نیست بلکه بر این امر تاکید دارد که کسی (خدایی که) برای هر کس وظیفه و مأموریت ویژه‌ای را تعریف کرده است، وظیفه موعظه و تعلیم را به خواهران محول نکرده است. خواهرانی که ایمان دارند که خدا آنها را دوست دارد، می‌دانند که خدا نیکوترین امور را برای آنها در نظر گرفته است.

در کتاب مقدس از نقش‌آفرینی مثبت بانوان یاد شده است. خواهران، اولین شاهدان رستاخیز مسیح هستند. شهادت خواهران در مژده‌رسانی نقش مهمی دارد. دسته‌ای از خواهران مانند «فیبی» در مدیریت برنامه‌های میسیونری پولس نقش به‌سزایی ایفا می‌کردند. زن سامری با شهادت خود همشهری‌هایش را به سوی مسیح هدایت کرد. هرچند مریم مادر مسیح در پنطیکاست به موعظه نپرداخت، اما شهادت او از زندگی مسیح، همچون سرودی زیبا و جاوید که حاکی از درکی توصیف‌ناپذیر از کلام خدا است برای ما باقی مانده است.

پس برای خواهرانی که مایل‌اند در مسیح از طریق خدمت خود منشأ برکت باشند، موقعیت برای خدمت بسیار هست. همچنان‌که خوانشی مردسالارانه از متن کتاب‌مقدس، به سبکی که در بسیاری از جوامع سنتی غربی رواج داشت، نتایج منفی داشته است، به همین ترتیب واکنش نسبت به آن، که با ظهور جنبش فمینیستی در کلیسا همراه است، نتیجه وخیمی در پی خواهد داشت.

آیا این واقعیت که بسیاری از داعشی‌هایی که مروج فرهنگ «نر حاکم» بودند، از جوامعی فمینیست‌زده برخاسته‌اند، خود مایه‌ی نگرانی نیست؟ چرا بسیاری از زنان که حاصل همان جوامع فمینیست‌زده هستند، حاضر می‌شوند به حر مسرای یک داعشی یا فردی وحشی حضور بیابند؟

در خداوند نه زن از مرد جداست و نه مرد از زن، بلکه هر دو چه در فضای خانواده و چه در کلیسا و در نقش‌های گوناگون یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

خواهرانی که مایل‌اند به راستی در مسیح نقش ایفا کنند می‌توانند در پرتو کلام دعا کنند و گام‌های متین و صحیح در فضایی کتاب‌مقدسی بردارند.

۱- از واژه «سکوت زنان» در اینجا، اغلب معنی «موقر» برداشت می‌شود...

آیه به این ترتیب است: «زن در سکوت و کمال اطاعت تعلیم گیرد» (دوم تیموتائوس 2:11)

واژه «هیسوخیا» که در برگردان قدیم «سکوت» ترجمه شده است، چه در زبان کهن یونان و چه در زبان امروزی یونانی هم به معنی آرامش و هم به معنی سکوت. پولس از زنان می‌خواهد «در سکوت و آرامش» و با پیروی بی‌چون و چرا از نظم و ترتیب کلام در جلسه‌های کلیسایی به سخن خدا گوش کنند. بعضی از برگردان‌ها «در سکوت» «in silentio» را ترجیح می‌دهند در حالیکه مترجمان دیگری «در آرامش»،

tranquillitate «in» را رساتر می‌دانند. درست است که این امر با موقر بودن در رابطه است.

پولس در آیه بعدی دیدگاه خود را درباره این موضوع، روشن می‌کند. لحن پولس در آیه‌ی 12 چنان قاطع است که «فیون» مفسر و مترجم کتاب مقدس می‌نویسد: «مشخص است که پولس حاضر به بحث در این باره نیست. پولس در جایگاه فرستاده‌ی ویژه مسیح حاضر نیست در این باره فمینیست‌ها گفتگو و بحث کند. چه بسا در برگردان معتبر دکتر «ارنست منگه» آیه به شکل گویاتر پاسخ تند پولس را منعکس کرده باشد:

Dagegen gestatte ich keiner Frau, Lehrvorträge zu halten oder sich die Gewalt über den Mann anzumaßen; nein, sie soll in stiller Zurückhaltung verbleiben.

«ولی به هیچ زنی اجازه‌ی ارائه‌ی تعلیم و تسلط بر مرد نمی‌دهم، به هیچ روی، بلکه بر زن است که وقار و آرامش خود را حفظ کند.»

پولس باز تایید آنچه در باب دو درباره‌ی نظم جلسه عنوان کرده است، می‌گوید: «این سخن درست و قابل اتکاست» (یکم تیموتائوس 3:1-ا)

۲- ادعا شده ضمیر به کار رفته در (یکم تیموتائوس 1:3) خنثی است. این حرف گنگ و بی‌معنا است و ادعایی که در پس آن مطرح می‌شود سراسر بی‌پایه است. هیچ‌کس آیه را چنین ترجمه نمی‌کند:

«اگر چیزی منصب اسقفی را بخواهد. بلکه «اگر کسی...» و در متن مشخصا از مردان صحبت شده است. در همین راستا بعضی از برگردان‌ها مانند برگردان کهن انگلیسی، به جای اگر کسی منصب اسقفی را بخواهد «اگر مردی» را به کار می‌برند:

**If a man desire the office of a bishop, he »
«desireth a good work**

چنان‌که از متن پیدا است، پولس در ادامه مبحث مطرح شده در (باب ۲) شرایط مردانی که می‌توانند عهده‌دار مسئولیت هدایت کلیسا شوند را مشخص می‌کند. چنین مردانی باید:

√ بی‌عیب

√ تک همسر یا به عبارت دقیق‌تر، مرد تنها یک زن

√ خویشان‌دار

√ و دارای توانایی تعالیم درست باشند

پولس در ادامه سخن، شرایط شماسان و همسران‌شان یا خواهرانی که می‌توانند در کلیسا به خدمت گماشته شوند را نیز برمی‌شمارد. او همچنین درباره‌ی خواهران رهنمودهای مشخصی را بیان می‌کند:

«و به همین‌طور، زنان نیز باید باوقار باشند و نه غیبت‌گو بلکه هشیار و در هر امری امین.»

پس تنها برادران می‌توانند در جایگاه اسقف (که تعریف آن در این مبحث نمی‌گنجد) قرار بگیرند و بس. ولی چنان‌که از این

آیات و آیات دیگر برمی‌آید خواهران می‌توانند در کلیسا حضوری فعال و بسیار تاثیرگذار داشته باشند. نظم مدنظر کلیسا بر اساس کلام خداست.

اصول تفسیر یا اصول سفسطه؟

متاسفانه عزیزان با این پیش‌فرض که جامعه‌ی مسیحی فارسی‌زبان، بی‌سواد بوده و با عباراتی چون «اصول تفسیر را فراگیرید...» می‌کوشد، عدم تسلط خود بر موضوع را پنهان کند. این ادعا مرتب عنوان می‌شود که: «منع بانوان از تعلیم در کلیسا، برخاسته از ناگاهی نسبت به اصول تفسیر است». اگر این ادعا درست باشد، باید چنین نتیجه گرفت که حتی پدران کاتولیک‌ها و انجیلی‌ها مانند «توماس آکویناس» یا «یوحنا زرین‌دهان» هیچ از اصول تفسیر کتاب مقدس آگاهی نداشتند. توماس آکویناس در تفسیر خود از اول تیموتائوس می‌نویسد:

«ولی تعلیم امری است که به مرد محول شده است...».

او در ادامه، ادعای کسانی که برای توجیه این امر به خدمت «دپوره» در عهدعتیق و تعلیم از مادر در «امثال» اشاره کرده و این نمونه‌ها را توجیه‌گر بدعت خود می‌دانند، غیر معتبر می‌داند.

از خوانش «توماس آکویناس» پدر کاتولیک‌ها و انجیلی‌ها چنین بر می‌آید که نه این مبحث، مبحث تازه‌ای است و نه دلایلی

که در توجیه تعلیم زن عنوان می‌شود مانند نبوت دבורه و رخدادهایی از این دست مکاشفات جدیدی است!

ولی امروز ظهور جنبش فمینیستی، مسائل اقتصادی و فشارهای سیاسی باعث شده‌اند، آنچه که در کلام به شفافیت کامل گفته شده است، چنین تحریف شود و باز سخن این مار قدیمی طنین انداز شود:

«آیا خدا به راستی گفته است؟»، «آیا مطمئن هستید، که این همان منظور پولس است؟» «آیا شرایط امروزی حکم موقت پولس را منسوخ کرده است؟»، «پولس در شرایطی خدمت می‌کرده که بیشتر زنان بیسواد بودند ولی امروز به برکت آموزشگاه‌های الهیاتی این مشکل را حل کرده‌ایم، پس این دستور پولس منسوخ شده است.»

ما به‌هیچ روی حاضر نیستیم «دانش سفسطه‌گری» را تعلیم ببینیم. کلام خدا به روشنی و صراحت تمام، «دیدگاه همیشگی» خدا را مشخص کرده است.

مقاومت درونی که بسیاری از افراد در برابر دیدگاه روشن کتاب مقدس دربارهٔ امور گوناگون از خود نشان می‌دهد، تنها نشان‌دهنده‌ی بیگانگی آنها با کلام خداست.

برادر شما

فیروز خانجانی